

برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

۱ اوت ۱۹۰۳

توسعه بازرگانی چنان روابط نزدیکی بین مردم جهان متمدن ایجاد کرده که جنبش عظیم رهایی پرولتاریا باید بین المللی می‌شد و از مدت‌ها قبل چنین شده است.

سوسیال دموکراسی روسیه با در نظر گرفتن خود به عنوان بخشی از ارتش جهانی پرولتاریا، همان هدف نهایی سوسیال دموکرات‌های دیگر کشورها را دنبال می‌کند.

این هدف نهایی به وسیله ویژگی جامعه بورژوایی معاصر و سیر توسعه آن تعیین می‌شود.

ویژگی عمده این جامعه تولید کالایی مبتنی بر روابط تولیدی سرمایه داری است. بیشترین و مهم ترین بخش وسایل تولید و مبادله کالاها به طبقه کوچکی از معدود افراد تعلیق دارد، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق جامعه شامل پرولتاریا و نیمه پرولتاریایی است که جایگاه اقتصادی آنها مجبورشان می‌کند تا به طور مداوم یا متناوب کار خود را بفروشند و یا، به عبارت دیگر، اجیر سرمایه داران شوند و با کار خویش درآمد طبقات بالای جامعه را ایجاد کنند.

قلمرو تحت تسلط روابط تولیدی سرمایه داری با پیشرفت دایم تکنولوژی، که بر اهمیت اقتصادی بنگاه‌های تولیدی بزرگ می‌افزاید و تولید کنندگان کوچک مستقل را تضعیف می‌کند، دایماً گسترش می‌یابد. بدین ترتیب بخشی از تولید کنندگان کوچک مستقل به پرولتاریا تبدیل شده و عملکردهای اجتماعی-اقتصادی بقیه کاهش یافته که در بعضی موارد وابستگی کمابیش کامل، آشکار و شدید به سرمایه پیدا می‌کند.

به علاوه همین پیشرفت تکنولوژی، سرمایه داران را قادر می‌سازد تا در تولید و گردش کالا از نیروی کار زنان و کودکان هر چه بیشتر استفاده کنند. از آنجا که پیشرفت تکنولوژی منجر به کاهش نسبی نیازهای مدیریت به نیروی کار انسانی می‌شود، عرضه کار به ناچار از تقاضا پیشی می‌گیرد و در نتیجه وابستگی کار مزدبری به سرمایه و میزان استثمار افزایش می‌یابد.

وضعیت فوق در جوامع بورژوایی، در کنار رقابت شدید فزاینده بین این کشورها در بازار جهانی، فروش کالاها را که در کمیته‌های دایماً متزاید تولید می‌شود، مشکل می‌کند. اضافه تولیدی که در شکل بحران‌های صنعتی کمابیش حاد و به دنبال آن در دوره‌های هر بار کمابیش طولانی تر رکود صنعتی متظاهر می‌شود، بیانگر نتیجه گریز ناپذیر رشد نیروهای مولده در جامعه بورژوایی است. بحران‌ها و دوره‌های رکود صنعتی به نوبه خود تولید کنندگان کوچک را باز هم بیشتر خانه خراب می‌کند، وابستگی کار مزدبری به سرمایه را حتی بیشتر می‌کند و هر چه سریع تر به خانه خرابی نسبی و حتی گاهی مطلق وضعیت طبقه کارگر منجر می‌شود.

بنابر این پیشرفت تکنولوژی، که بیانگر افزایش بارآوری کار و رشد ثروت اجتماعی است، باعث افزایش نابرابری اجتماعی در جامعه بورژوایی، تعمیق شکاف بین دارا و ندار، زندگی نامطمئن تر، افزایش بیکاری و محرومیت‌های گوناگون برای بخش‌های هر چه وسیع تر توده‌های زحمتکش می‌شود.

اما هر قدر که تمام این تضادهای ذاتی جامعه بورژوایی رشد و توسعه می‌یابد، نارضایتی توده‌های زحمتکش و ستم کشیده از نظم موجود نیز رشد یافته، بر تعداد و همبستگی پرولتاریا افزوده شده و مبارزه‌اش با استثمارگران هر چه شدیدتر می‌شود. در عین حال پیشرفت تکنولوژی، که وسایل تولید و توزیع را متمرکز کرده و فرایند کار را در بنگاه‌های سرمایه داری اجتماعی می‌کند، هر چه سریع تر شرایط مادی برای جایگزینی روابط تولیدی سرمایه داری را با روابط تولیدی سوسیالیستی، به عبارت دیگر شرایط مادی برای وقوع انقلاب اجتماعی را ایجاد می‌کند. انقلابی که بیاتنگر هدف نهایی تمام فعالیت‌های جنبش سوسیال دموکرات بین المللی، به مثابه سخنگوی آگاه جنبش طبقاتی پرولتاریا است.

انقلاب اجتماعی پرولتاریا با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی وسایل تولید و توزیع به جای مالکیت خصوصی و با برقراری سازمان برنامه ریزی شده فرایند تولید اجتماعی، به طوریکه رفاه و رشد همه جانبه تمام افراد جامعه را

تضمین کند، تقسیم طبقاتی جامعه را ملغی کرده و بدین وسیله تمام بشریت ستم کشیده را رها می سازد، زیرا به تمام اشکال استثمار بخشی از جامعه توسط بخش دیگر پایان می بخشد.

شرط ضروری برای این انقلاب اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا است، یعنی تسخیر آن قدرت سیاسی توسط پرولتاریا که او را قادر می سازد هر گونه مقاومت از جانب استثمارگران را سرکوب کند.

سوسیال دموکراسی بین المللی، با تعیین این وظیفه برای خود که پرولتاریا را قادر به تحقق رسالت تاریخی بزرگش سازد، وی را در یک حزب سیاسی مستقل مخالف با تمام احزاب بورژوازی متشکل می کند، تمام نمودهای مبارزه طبقاتی اش را هدایت می کند، تقابل آتشی ناپذیر منافع استثمارگران با استثمار شوندهگان را آشکار می سازد و اهمیت تاریخی و شرایط ضروری برای انقلاب اجتماعی نزدیک را به پرولتاریا می آموزد و در عین حال برای سایر توده های زحمتکش و استثمار شده، بی آندگی وضعیت شان در جامعه سرمایه داری و ضرورت یک انقلاب اجتماعی برای رهایی آنان از یوغ سرمایه داری را آشکار می سازد. حزب طبقه کارگر، حزب سوسیال دموکرات، تمام لایه های زحمتکش و ستم کشیده جامعه را تا آنجا که دیدگاه پرولتری آنها می پذیرند، به صفوف خود فرا می خواند.

سوسیال دموکرات های کشورهای مختلف، در راه رسیدن به هدف نهایی مشترک خویش که با تسلط شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان متمدن تعیین می شود، مجبورند هم به دلیل رشد ناهمگون این شیوه تولید در جوامع مختلف و هم به دلیل وجود شرایط اجتماعی-سیاسی متفاوت در هر کشور، برای خود وظایف کوتاه مدت مختلف معین کنند.

در روسیه که هم اکنون سرمایه داری شیوه مسلط تولید است، هنوز بسیاری از بقایای نظم پیش سرمایه داری کهن ما وجود دارد، نظمی که بر بندگی توده های زحمتکش به زمینداران بزرگ، دولت یا پادشاه مبتنی بود. این بقایا بزرگترین مانع پیشرفت اقتصادی بوده، از رشد همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا جلوگیری کرده، به حفظ و تشدید وحشیانه ترین اشکال استثمار میلیونها دهقان توسط دولت و طبقات دارا کمک می کند و تمام مردم را در جهل و انقیاد نگه می دارد.

برجسته ترین این بقایا و قدرتمندترین تکیه گاه کل این نظم وحشیانه، استبداد تزاری است که، بنا بر ماهیت خود، دشمن هرگونه تغییر اجتماعی بوده و بدون تردید سرسخت ترین دشمن تمام آرزوها و آمال پرولتاریا برای آزادی است.

بنابراین، حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه واژگونی استبداد تزاری و جایگزینی آن را توسط یک جمهوری دموکراتیک و وظیفه عاجل سیاسی خود قرار می دهد. قانون اساسی این جمهوری موارد زیر را تضمین می کند:

- ۱- حاکمیت مردم؛ یعنی تمرکز قدرت عالی دولتی در مجلس قانونگذاری واحدی متشکل از نمایندگان مردم.
- ۲- حق رأی همگانی، برابر و مستقیم در انتخابات مجلس قانونگذاری و تمام ارگانه های خودگردان محلی برای تمام شهروندان مرد و زنی که به سن بیست رسیده باشند؛ رأی مخفی در این انتخابات؛ حق هر رأی دهنده برای انتخاب شدن در هر نهاد انتخابی؛ دوره پارلمانی دوساله؛ پرداخت حقوق به نمایندگان مردم.
- ۳- خودگردانی محلی وسیع؛ خودگردانی ناحیه ای برای نواحی با شرایط ویژه زندگی یا ترکیب ویژه جمعیت.
- ۴- مصونیت فردی و مصونیت مسکن.
- ۵- آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات و اجتماعات، آزادی اعتصاب و تشکیل اتحادیه های کارگری.
- ۶- آزادی تغییر مکان و اشتغال.
- ۷- لغو امتیازات طبقاتی و برابری کامل تمام شهروندان بدون توجه به جنس، مذهب، نژاد یا ملیت.
- ۸- حق هر ملیتی برای آموزش به زبان مادری خویش از طریق برقراری مدارس لازم به هزینه دولت و ارگانه های خودگردان؛ حق هر شهروند در به کارگیری زبان مادری خویش در جلسات عمومی؛ استفاده از زبان مادری به طور برابر با زبان رسمی در تمام نهادهای محلی، عمومی و دولتی.
- ۹- حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیتهایی که بخشی از کشور را تشکیل می دهند.
- ۱۰- حق هر فرد برای به محاکمه کشیدن هر مقام رسمی از طریق مجاری عادی در برابر هیأت ژوری.
- ۱۱- انتخاب قضات توسط مردم.
- ۱۲- جایگزینی ارتش دایمی با تسلیح عمومی مردم.
- ۱۳- جدایی دین از دولت و مدرسه از دین.
- ۱۴- تحصیل عمومی یا حرفه ای رایگان و اجباری برای تمام خردسالان دختر و پسر تا سن شانزده سالگی؛ تأمین غذا، لباس و وسایل تحصیل برای خردسالان نیازمند توسط دولت.

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به عنوان شرط اساسی دموکراتیکیزه کردن اقتصاد کشور خواستار لغو تمامی مالکیت‌های غیر مستقیم و وضع مالکیت تصاعدی بر درآمد وارث است.

حزب جهت حمایت از طبقه کارگر در برابر تحقیر جسمی و روحی و همچنین برای گسترش توانایی این طبقه برای مبارزه برای رهایی، خواستار مفاد زیر است:

- ۱- محدودیت کار روزانه به ۸ ساعت برای تمام کارگران مزدبهر.
- ۲- مقررات قانونی برای مرخصی هفتگی برای همه مزد بگیران زن و مرد در تمام بخش‌های اقتصاد کشور که مدت آن از ۴۲ ساعت متوالی کمتر نباشد.
- ۳- ممنوعیت کامل اضافه‌کاری.
- ۴- ممنوعیت شب کاری (از ۹ شب تا ۶ صبح) در تمام شاخه‌های اقتصاد به استثنای شاخه‌هایی که به دلایل تکنیکی مطلقاً به شب کاری نیاز دارند، و این دلایل باید مورد تأیید سازمان‌های کارگری قرار گیرد.
- ۵- ممنوعیت استخدام خردسالان در سنین تحصیل (تا ۱۶ سال) و محدودیت مدت کار روزانه برای نوجوانان (۱۶ تا ۱۸ سال) به ۶ ساعت.
- ۶- ممنوعیت استفاده از کار زنان در مشاغلی که برای سلامت آنان زیان آور است؛ مرخصی برای زنان باردار از ۴ هفته قبل تا ۶ هفته بعد از زایمان، با حق دریافت دستمزد به میزان معمول در سراسر این دوره.
- ۷- ایجاد شیر خوارگاه برای نوزادان و خردسالان در تمام کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و بنگاه‌های تولیدی دیگری که زنان را استخدام می‌کنند؛ اجازه مرخصی حداقل نیم ساعت در هر سه ساعت به مادرانی که به فرزندان خود شیر می‌دهند.
- ۸- بیمه دولتی برای کارگران در سن پیری و مواقع ناتوانی جزئی یا کامل از طریق وجوه مخصوصی که با اخذ مالیات از سرمایه‌داران تأمین می‌شود.
- ۹- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی؛ تعیین مدت زمانی از ساعات کار هفتگی در قراردادهای استخدامی برای پرداخت دستمزد نقدی.
- ۱۰- ممنوعیت برداشت از دستمزد کارگران توسط مدیریت، بدون توجه به دلیل یا هدف چنین برداشتهایی (جریمه، کار ناقص و غیره).
- ۱۱- تعیین تعداد کافی بازرس کارخانه در تمام شاخه‌های اقتصاد و تعمیم بازرسی به تمام بنگاه‌های تولیدی، به علاوه بنگاه‌های تولیدی دولتی که کار مزدبیری استخدام می‌کنند (کار خدمتکاران خانگی نیز تابع چنین بازرسی می‌باشد)؛ تعیین بازرسان زن در صنایعی که زنان را استخدام می‌کنند؛ شرکت نمایندگان منتخب کارگران به هزینه دولت در نظارت بر اجرای قوانین کارخانه، در تعیین میزان دستمزد و در پذیرش یا رد کالاهای تمام شده و سایر امور.
- ۱۲- نظارت ارگان‌های خودگردانی محلی، به همراه نمایندگان منتخب کارگران، بر شرایط بهداشتی واحدهای مسکونی کارخانه و همچنین نظارت بر مقررات حاکم بر استفاده از این واحدهای مسکونی و شرایط اجاره، به طوری که از کارگران به عنوان شخص و شهروند در برابر دخالت کارفرمایان در زندگی و فعالیت‌های خصوصی‌شان حمایت شود.
- ۱۳- برقراری بازرسی بهداشتی کاملاً سازمان یافته در تمام بنگاه‌های تولیدی که کار مزدبیری استخدام می‌کنند؛ این تشکیلات بهداشتی باید کاملاً مستقل از مدیریت باشد؛ خدمات پزشکی رایگان برای کارگران به هزینه کارفرما، و پرداخت دستمزد در طول مدت بیماری.
- ۱۴- احراز مسئولیت جزائی برای کارفرمایان در موارد نقض قوانینی که برای حمایت از کارگران وضع شده است.
- ۱۵- ایجاد دادگاه‌های حرفه‌ای در تمام شاخه‌های اقتصاد که به طور یکسان از نمایندگان کارگران و مدیریت تشکیل شده باشد.
- ۱۶- لزوم ایجاد دفاتر کاریابی (مبادله کار) توسط ارگان‌های خودگردان محلی برای استخدام کارگران محلی و غیر شهری در تمام شاخه‌های اقتصاد، و شرکت نمایندگان سازمان‌های کارگری در اداره آنها.

برای نابودی بقایای نظام سرواژ، که فشار طاقت فرسایی بر دهقانان وارد می‌کند، و برای پیش برد رشد آزاد مبارزه طبقاتی در روستا حزب قبل از هر چیز خواستار اجرای مفاد زیر است:

- ۱- الغای دیون مربوط به بازخریدن زمین، رانت اسمی^۱، و تعهدات دیگری که در حال حاضر بر عهده دهقانان به عنوان یک طبقه مالیات پرداز قرار دارد.
- ۲- لغو تمام قوانینی که دهقان را از فروش زمین اش منع می‌کند.
- ۳- بازگرداندن تمام وجوهی که به عنوان دیون مربوط به بازخرید زمین و رانت اسمی از دهقانان اخذ شده است؛ و برای این منظور مصادره اموال کلیساها و صومعه‌ها، و همچنین مصادره زمین‌های متعلق به امپراتور، ارگان‌های حکومتی و افراد خانواده تزار؛ وضع مالیات ویژه‌ای بر املاک زمین‌دارانی که از وجوه پرداخت شده دهقانان برای بازخرید زمین وام دریافت کرده‌اند؛ سپردن وجوه به دست آمده در صندوق عمومی خاصی جهت نیازهای فرهنگی و خیریه‌ای جوامع روستایی.
- ۴- ایجاد کمیته‌های دهقانی برای:
 - الف- بازگرداندن زمین‌هایی که در موقع الغای سرواژ [در سال ۱۸۶۱] از تصرف دهقانان جدا شده، و هم اکنون به عنوان وسیله‌ای جهت در انقیاد نگهداشتن آنها توسط زمینداران مورد استفاده قرار می‌گیرند، به جوامع روستایی. (از طریق مصادره یا در صورت انتقال زمین به دیگران، از طریق خرید توسط دولت به هزینه متصرفات وسیع اشرافیت)؛
 - ب- بازگرداندن زمین‌هایی که در قفقاز هم اکنون دهقانانی به عنوان "خیزانی"^۲ و غیره با قراردادهای موقت در دست دارند به خود آنان؛
 - ج- از بین بردن بقایای نظام سرواژ که در اورال، آلتای، ناحیه غرب و نواحی دیگر محفوظ مانده است.
- ۵- برخورداری دادگاه‌ها از حق تخفیف اجاره‌های بیش از اندازه و کان لم یکن اعلام کردن تمام معاملاتی که بیاتگر روابط بندگی باشند.

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در کوشش برای دست یابی به هدف‌های فوری خود از همه جنبش‌های اپوزیسیون یا انقلابی علیه نظم اجتماعی و سیاسی موجود در روسیه پشتیبانی می‌کند. در عین حال، تمام طرح‌های رفرمیستی را که در صدد گسترش یا تقویت قیومت پلیسی یا بوروکراتیک بر طبقات زحمتکش باشند، قاطعانه رد می‌کند.

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به نوبه خود اعتقاد راسخ دارد که تحقق کامل، باثبات و پردوام این تغییرات سیاسی و اجتماعی تنها از طریق واژگونی حکومت استبدادی و تشکیل یک مجلس موسسان منتخب مردم به دست می‌آید.

ترجمه: قطعه‌نامه‌ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۱۷-۱۸۹۸، انتشارات سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، دی ۱۳۶۳، بریتانیا.
بازنویس: روبرت هاوکوپیان، اسفند ۱۳۸۳.

آرشیو سوسیال دموکراسی روسیه

میدا

^۱ رانت اسمی (quitrent)، رانتی که دهقان به جای انجام بیگاری به مالک می‌پرداخت.
^۲ خیزانی (Khizani) به دهقانان بدون زمین گرجستان گفته می‌شد، که طبق شرایط معینی بر روی زمین ملاکان کار می‌کردند. این دهقانان رسماً سرف نبودند و از بعضی آزادی‌های شخصی برخوردار بودند. رفرم ارضی سال ۱۸۶۱، اینان را در بر نمی‌گرفت و وابستگی شان به ملاکان قطع نشد.